

تأثیر نهج البلاغه بر کلیله و دمنه بهرامشاهی

حشمت الله آذرمکان^۱

مقدمه:

کلیله و دمنه بهرامشاهی، توسط نصرالله... منشی در قرن ۶ انشاء شده است. به نظر می‌رسد که همانگونه که در این کتاب از آیات و احادیث و امثال عربی، برای تزیین و آراستن کلام استفاده شده، احادیث و اقوال نهج البلاغه هم به کار گرفته شده است.

در باب تأثیر نهج البلاغه بر ادب فارسی آثاری نگاشته شده است که بیشتر آنها صرفاً به آثار نظم اختصاص یافته است. (رک: طهماسبی: ۱۳۹۱، ۱۸۹؛ گودرزی نژاد: ۱۳۸۹، ۱۲۳-۱۴۲؛ وعشق آبادی: ۱۳۸۹، ۱۵۶؛) در این میان تنها یک مقاله به بررسی تأثیر نهج البلاغه بر متون نثر پرداخته است و در این مقاله به تأثیر نهج البلاغه بر کلیله و دمنه اشاره‌هایی شده است. (رک: یاریان: ۱۳۸۹، ۱۲۷).

بر این اساس لازم است به صورت دقیق‌تر به بررسی انواع تأثیرات نهج البلاغه بر کلیله و دمنه بپردازیم.

بحث:

باید گفت که استفاده از آیات و احادیث یکی از شگردهای آراستن کلام بوده است که نویسندگان را به آن توصیه می‌کرده‌اند. از جمله عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن وشمگیر در آیین دبیری فرزند خویش را چنین اندرز می‌دهد:

«و نامه‌ی خود را به استعارت و آیات قرآن و اخبار رسول آراسته دار و اگر نامه پارسی بود، پارسی مطلق منبیس که ناخوش بُود، خاصه پارسی دری که نه معروف بود، آن خود نباید نبشت به هیچ حال که خود ناگفته بهتر از گفته بود.» (قابوسنامه، ص ۲۰۸). شباهت‌هایی را که بین نهج البلاغه و کلیله وجود دارد به سه بخش تقسیم می‌کنیم:

الف) جملاتی که اصل آن عیناً در نهج البلاغه وجود دارد و گاهی حتی کلیله هم آن را به حضرت علی(ع) منسوب کرده است البته برخی از جملات اندک تفاوتی در یک یا دو کلمه دارند؛

ب) جملاتی که ترجمه گونه‌ای است از اصل عربی آن. البته گاه نحو جمله در ترجمه به هم ریخته و یا با صنایع بدیعی و بلاغی آمیخته آن چنان که بازشناسی اصل جمله و یا کشف ارتباط بین کلیله و نهج البلاغه را با مشکل مواجه می‌کند با این وصف قرآینی این ارتباط را بر ملا می‌کند؛

ج) جملاتی که در آن مضمونی وجود دارد که در هر دو متن مشترک است. شاید گفته شود که این گونه اشتراکات مخصوص این دو متن نیست بلکه در بسیاری از متون تعلیمی و تربیتی وجود دارد. اما باید توجه داشت که اولاً: قرآینی فراتر از شباهت مضمونی صرف وجود دارد که در عبارات و جملات دو متن موج می‌زند. ثانیاً: اگر بپذیریم که کلیله تحت تأثیر نهج البلاغه قرار داشته است و حداقل در دو قسم اول آن را مسجل بدانیم چندان دور از ذهن نخواهد بود که در قسم سوم هم نهج البلاغه را مؤثر بدانیم. و اینک شاهد مثال‌های انواع سه گانه را ذکر می‌کنیم. ضمناً ارجاعات به نهج البلاغه با ذکر شماره خطبه یا نامه است و ارجاعات به کلیله با ذکر صفحه:

از نوع الف)

۱- «لأرای لمن لا یطاع» (نصرالله منشی؛ ۱۳۸۹: ۲۱۰) هر که را فرمان نبرند رأی و اندیشه نباشد. عین عبارت در خطبه ۲۷ نهج البلاغه آمده است.

۲- « رب قول اشد من صول» (ص ۱۸۹) اصل آن چنین است: « رب قول انفذ من صول» چه بسا سخنانی که از شمشیر بران تر است. (کلمات قصار ۳۹۴).

۳- « اخبر ثقله» (ص ۲۶۸) بیازمای تا اطمینان یابی. (کلمات قصار).

۴- « فَاِنَّ الْفُرْصَةَ تَمَرُّ مَرًّا السَّحَابِ.» (ص ۲۵۲) «وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرًّا السَّحَابِ، فَاِنَّتَهَزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ.» (قصار ۲۰).
و«فرصت‌ها چونان پاره‌های ابر درگذرند، پس فرصت‌های نیک را دریابید.»

از نوع ب):

۱- «درویشی اصل بلاها» (ص ۱۵۹) ≡ «الا و ان من البلاء الفاقه» (ص ۳۸۸) قصار. نوعی از بلا، فقر است.

۲- «[عقل] دو نوع است غریزی و مکتسب» (ص ۲۶) ≡ «العلم علما؛ مطبوع و مسموع» (ص ۳۳۸) قصار. علم دو گونه است: فطری و اکتسابی.

۳- «بر خردمند واجب است که [. . .] هر کار که مانند آن بر خویشان نپسندد بر دیگران روا ندارد.» (ص ۳۹) ≡ «احب لغيرك ما تحب لنفسك و اكره له ما تكره لها». آنچه بر خود پسندی بر دیگران هم بپسند و آنچه بر خود روا نداری بر دیگران نیز روا مدار.

۴- «و رأی راست به تکرار نظر و تحصین سر حاصل آید . . . اگر اندیشه به نفاذ رسد ظفر به حاجت پیوندد.» (ص ۱۸۰) ≡ «الظفر بالحزم و الحزم با جاله الرأی و الرأی بتحصين الاسرار» (ص ۴۸) قصار. پیروزی با دوراندیشی و دوراندیشی با مشورت کردن و مشورت کردن با رازداری میسر است.

این مورد از آن مواردی است که جمله از ساخت خود خارج شده اما قراین باقی است: ظفر، تحصین، سر، اسرار و رأی، اثرپذیری را برملا می‌کند.

۵- «قناعت از دناات همت و قلت مروت باشد» (ص ۶۰) ≡ «و منهم من اقعده على طلب الملك ضئوله نفسه و انقطاع سببه. فقصرته الحال على حالة فتحلى باسم القناعة» (خطبه ۳۲). گروهی از مردم را سستی نفس و از بین رفتن اسباب از طلب حکومت بازداشته پس به همان حال، باقی می‌ماند و آن را قناعت می‌نامد.

۶- «هر که مال ندارد او را اهل و تبع و دوست و برادر و یار نباشد . . . هر که مالی ندارد از فایده رأی و عقل بی‌بهره ماند.» (ص ۱۵۸) ≡ «الفقر يخرص الفطن عن حجته و المقل غريب في بلدته» (ص ۳) قصار. درویشی اندیشه را هنگام استدلال کند می‌کند. و انسان فقیر در سرزمین خود غریب است.
دو خصوصیت فقیر در نهج البلاغه در کنار هم ذکر شده ولی در کلیله از هم جدا شده و با فاصله کمی از یکدیگر آمده است.

۷- و هیچ توانگری چون قناعت نیست.» (ص ۱۷۸) www.anjomanfarsi.ir

«وَلَا كُنْزَ أَعْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ.» (قصار ۳۶۳). «هیچ گنجی توان بخش‌تر از قناعت نیست.»

از نوع ج):

۱- «خردمند به مشاهده‌ی ظاهر هیأت، باطن صفت را بشناسد.» (ص ۶۱) = « ما اضمرا احد شيئاً الا ظهر في فلوات لسانه و صفحات وجهه» (ص ۲۶) قصار. شخص، چیزی را درون خود مخفی نمی‌کند مگر اینکه آثار آن در لغزش‌های زبان و ظاهر چهره‌اش آشکار می‌شود.

۲- «جد همه ساله جان مردم بخورد . . . گاه از گاه . . . به تواریخ و اسمار التفاتی بودی.» (ص ۱۶) ≡ «ان هذه القلوب تمل كما تمل الابدان فاتبغولها طرايف الحكمة» (ص ۱۹۷) قصار. به راستی که این دل هم مانند تن ملول می‌شود پس برایش انواع حکمت‌های ناب فراهم کنید.

۳- «و حکیم و عاقل باید که در نکایت تعجیل روانیند» (ص ۳۱۲) ≡ «اخر الشر فانك اذا شئت لعجلته» (نامه ۳۱). شر را به تأخیر انداز که هر گاه بخواهی می‌توانی جلو اندازی.

۴- «عاقل چون در منشاء و مولد و میان اقربا و عشیرت به جان ایمن نتواند بودن دل بر فراق اهل و دوستان و

- فرزندان و پیوستگان خوش کند که این همه را عوض ممکن گردد» (ص ۳۵۵) ≡ «من ضیعه الاقرب اتیح له الا بعد» (۱۴ قصار). هر که را نزدیکان دست کم بگیرند، دوران برایش قراهم و فرمانبردار شوند.
- ۵- «در امثال آمده است که اذا اعشبت فانزل» (ص ۵۸) ≡ «خیر البلاد ما حملک» (۴۴۲ قصار). بهترین سرزمین آن است که بار معیشت را حمل کند
- ۶- بخش‌هایی از داستان بوف و زاغ که در آن زاغ بعد از صلح، دمار از روزگار بوفان درمی‌آورد با بخشی از نامه ۵۳ متناسب است: «الحذر کل الحذر من عدوک بعد صلحه». بسیار بترس از دشمنت بعد از آنکه آشتی کرد.
- ۷- میانه‌روی و احتیاط در دوستی و دشمنی (ص ۲۳۲) متناسب با کلمات قصار شماره ۲۶۸ می‌باشد.
- ۸- «که به دلالت خیانت، منزلت کرامت کم توان یافت.» (ص ۱۲۰)
- «وَمَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَرَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَلَمْ يُنَزِّهِ نَفْسَهُ وَ دِينَهُ عَنْهَا، فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ فِي الدُّنْيَا الذُّلَّ وَالْخِزْيَ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذْلُ وَأَخْزَى.» (نامه ۲۶)
- «و کسی که امانت را دست کم گیرد و خیانت را چراگاه خویش قرار دهد و دل و دین را از خیانت نپالاید، در دنیا خود را در پرتگاه رسوایی و خواری جای دهد و در آخرت خوارتر و رسواتر باشد.»
- ۹- «چه گاهی که خشم بر ملک مستولی شود، شیطان فتان نیز مسلط گردد.» (ص ۳۱۹)
- «وَ إِيَّاكَ وَالْعُضْبَ فَإِنَّهُ طَيْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ» (نامه ۷۶).
- ۱۰- «ابواب مکارم و انواع عواطف را بی‌شک نهایی است و رسیدن آن به خاص و عام تعدّر ظاهر دارد و لکن منافع عدل و سیاست کافه‌ی مردمان را شامل می‌گردد و دور و نزدیک جهان را از آن نصیب باشد.» (ص ۷)
- ۱۱- حضرت علی (ع) در نامه‌ی ۵۳ به مالک اشتر به این امر سفارش می‌کند:
- «وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعَمَّهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَةِ.»
- «می‌باید که برای تو پسندیده‌ترین کارها همان باشد که در حق میانه‌ترین است، در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین.»
- ۱۲- «و گفته‌اند که: هر که فرصتی فایت گرداند بار دیگر بدان قادر نشود و پشیمانی سود ندارد.» (ص ۲۱۳)
- حضرت علی (ع) در نامه‌ی ۳۱ به این امر سفارش می‌کند و می‌فرماید:
- «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غَصَّةً.» «فرصت را دریاب پیش از آن‌که به غم مبدل شود.»

نتیجه‌گیری:

در کلیله و دمنه به سه شیوه از نهج البلاغه استفاده شده است. به نظر می‌رسد. کمترین نوع استفاده مربوط به استفاده مستقیم و لفظ به لفظ است. بیشتر نوع استفاده از نوع سوم؛ یعنی جملات دارای مضمون مشترک است که بر اثر ممارست نصرا... منشی در کتب عربی از جمله نهج البلاغه این امر حاصل شده باشد. نویسنده، هنرمندانه جملات را از ساخت پیشین خود خارج کرده و در هیأتی نو ارائه داده و البته قراینی برای شناسایی باقی گذاشته است. این شیوه هنری با حل کردن مضمونهای نهج البلاغه در متن کلیله، بر زیبایی کلیله افزوده است.

فهرست منابع:

- دهمره قلعه نو، زهرا. (۱۳۹۱). تطبیق دیباچه و بخش اساطیری و تاریخی شاهنامه با نهج البلاغه، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۹۱
- طغیانی، اسحاق (۱۳۸۶). بازتاب اندیشه‌های حکیمانه علی (ع) در حدیقه سنایی، فصلنامه پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶
- (۱۳۸۴). نهج البلاغه و شعر کهن پارسی، نشریه ادب و زبان فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۴، بهار ۱۳۸۴ طهماسبی، فریدون (۱۳۹۱) مضامین اخلاقی در بوستان و مقایسه آن با نهج البلاغه، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۱

- عشق آبادی، زهرا (۱۳۸۹). بهره‌گیری مثنوی از اصول اخلاقی نهج البلاغه، فصلنامه النهج، شماره ۲۸، بهار ۱۳۸۹
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر. (۱۳۶۲). قابوسنامه، تصحیح: سعید نفیسی، تهران: فروغی
- گودرزی نژاد، آسیه. (۱۳۸۹). «تأثیر صفات الهی در نهج البلاغه بر بوستان سعدی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۹ صص ۱۲۳-۱۴۲
- نصرا... منشی، ابوالمعالی. (۱۳۷۴). کلیله و دمنه، توضیح علی رضوی بهابادی؛ یزد: بهاباد.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۹). گردآورنده سید رضی، ترجمه علی اصغر فقیهی، تهران: آیین دانش، چاپ پنجم
- یاریان کوپایی، زهرا. (۱۳۸۹). «تأثیر گزاره‌های اخلاقی نهج البلاغه بر ادب فارسی» فصلنامه اخلاق، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۹ ص ۱۲۷



دانشگاه هرمزگان



انجمن علمی زبان اوبیا فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir